

دکتر علی اصغر کوشاقر *

شدالرحال و رحله

چکیده:

علم و تمدن اسلامی در چنان عظمت و مرتبت و کمال می باشد که آگاهی و تسلط بر شاخه ها و زوایای آن سخت و دشوار است. اساس و عناصر این تمدن علوم شرعی و عقلی و ادبی می باشند که قرن ها ممارست و مجاهدت زاید الوصف محققین و دانشمندان این دایره المعارف عظیم را شکل داده است.

سیروسفر و حضور در محافل علمی و اجتماع و درک نظریات اساتید و شیوه کار آنها از زمانهای دور تا حال اعتبار و موقعیت خود را حفظ نموده و با گذشت زمان بر اهمیت آن افزوده شده است. شهرت مشاهیر دانش و موسسات علمی همواره جاذبه ای را به وجود آورده است که مشتاقان کسب معرفت با آگاهی کامل از سختی ها پای در این راه گذاشته و هرگونه صعوبت و ناهمواری را در وصول به هدف پذیرامی کردند. در این مقاله، کیفیت شدالرحال و سفرهای علمی گروهی از پویندگان معرفت و چگونگی تنظیم و توسعه و انتقال و آموزش علوم در جهان اسلام مورد مذاقه قرار گرفته است.

* عضویات علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز

سرچشمه، علم و تعلیم و معلم و کتاب و درس در اسلام، قرآن مجید است که به طور کلی علم و عمل از آن مایه می گیرد. احادیث نبوی که در واقع در جهت فهم بیشتر مفاهیم قرآن بوده شرح و تفسیری از وحی الهی است که بعد از کتاب خدا مکمل و روشنگر و رهنمود امور در کلیه زمینه‌ها می باشند.

در صدر اسلام و شکل گیری دین و حکومت، یادگیری و آموختن مسائل دین جدید برای تقرب و کسب رضای خدا، مسئولیتی جدی برای هر مسلمان بشمار می رفت. ابن خلدون در مقاصد و شیوه تعلیم و تعلم می گوید: " در صدر اسلام دانش به طور کلی در شمار صنایع و حرف بشمار نمی آمده. علم همان بود که از قول و نقل شاعر منقول می گردید. حرفه‌ای نیز محسوب نمی شد. جنبه تبلیغی داشت. بر حسب تکلیف دینی می بایست اصول و مسائل شرعی را به صورت تبلیغ و ارشاد به آنان که از اسلام خبر نداشتند تعلیم می دادند." (۱)

دردوران جاهلیت و قبل از گسترش اسلام زبان و شعر خطیبان و شاعران در حمایت از قبیله قوی تر از غارت و جنگ بوده است. (۲) ده‌ها عرب در فصاحت و بلاغت و شعر تجلی کرده است. دردوران جاهلیت علاوه بر شب نشینی (سمر) و روایت افسانه‌های کهن و ذکر دلاوری‌های قهرمانان، در ایام مساعده و در خلال ماههای حرام و موقعیت‌های مناسب، مردم جهت شنیدن اشعار از هر نوع آن به سوی بازارهای عکاظ، ذوالمجنه، ذوالمجازو... روی می آوردند. بعضی از این مراسم که حتی تا بیست روز ادامه می یافت، میدانی برای بلاغت و فصاحت نخبگان فراهم می ساخت. ارائه هنرهای این گروه در زبان و اخلاق قبایل ایجاد وحدت می کرد. راویان نیز با نقل اشعار موجبات یگانگی و حفظ اصالت‌های لهجه و زبان قوم را فراهم می آوردند. (۳)

توسعه قلمرو اسلام به سبب فتوحات سریع و حیرت آور آن که مسعودی به نقل از فرازی (متوفی ۱۸۳ هجری) در " مروج الذهب "

حدود آنرا : " ازفرغانه وانتهای خراسان قدیم تا طنجه مغرب سه هزار و هفتصد فرسنگ و از دربند (قفقاز) تا جده ششصد فرسنگ و از مکه تا جده سی و دو میل " ذکر می کند (۴) موجب شد که اعراب در قلمرو مرزهای خود که از آسیای مرکزی تا سلسله جبال پیرنه در سرحدات فرانسه کشیده می شد، با چهار حوزه بزرگ علمی جهان متمدن آن روزگار آشنا شدند. ۱- حوزه های اسکندریه در مصر ۲- مراکز علمی سریانی در شام و شمال بین النهرین ۳- دارالعلم گندی شاپور و ریو اردشیر در ایران و بالاخره حوزه ریاضیات و پزشکی هندی ، و در این مراکز دانش مصری ، یونانی ، ایرانی و هندسی و افکار علمی و فلسفی و عرفانی و مذهبی شرق و غرب تلاقی داشته است. دانشمندان و دانشجویان از کلیه نقاط به این موسسات علمی برای تحقیق و تعلیم و تعلم در رفت و آمد بودند. (۵)

در دوران فتوحات این مراکز آسیب ها مضمون ماندند و مسلمانها با فعالیت های علمی این حوزه ها که زبان تعلیمی آنها یونانی و سریانی و ایرانی بود. تماس حاصل نمودند و در دوران ترجمه آثار فراوانی بسا مساعی دانشمندان این سرزمینها در زمینه ریاضیات ، فلسفه ، منطق ، طب ، تشریح ، داروشناسی ، نجوم ، کیمیا ، تعلیم و تربیت ، سیاست ، اخلاق ، هندسه و مساحی ، گاه شماری ، حسابداری و به زبان عربی درآمد. مجموعه این علوم را " علوم عقلی " نامگذاری کردند و ضمن جلوگیری از اضمحلال و محو فراموشی آنها ، با بحث و تحقیق موجبات بقا و رونق آثار نیز گردیدند. (۶)

کوشش دانشمندان اسلامی و ارج و اهمیتی که بر این تلاش ها قائل می شد ، احساس نیاز به کسب این دانش ها و توصیه رسول اکرم (ص) : " اطلبوا العلم ولو بالمین " و اینکه دوام و قوام و اعتبار هر ملت و حکومتی بر علم استوار است ، علم و تمدنی آنچنان گسترده ای به وجود آورد که تسلط بر شاخه ها و زوایای آن دشوار و بلکه ناممکن است. اساس و عناصر این فرهنگ و تمدن را ، علوم شرعی و عقلی و ادبی تشکیل می دهد

که در طول قرن‌ها با ممارست و مجاهدت بیکران محققین و دانشمندان شکل گرفته است. دلایل مستدل فراوانی مبتنی بر تفکرات قرآنی جهت گسترش دامنه علوم شرعی و عقلی و ادبی در جهان اسلام بچشم می‌خورد. از آن جمله: " شهد الله انه لا اله الا هو والملئکه واولولعلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم " (۷) که تأکید بر این دارد که هر علم و معرفت از طریق به وحدانیت خداوند منتهی می‌گردد و لذا تلاش در آنها فضیلتی محسوب خواهد شد. و کسب این دانش نیز جز برای کسانی که مورد تأیید الهی باشند: " العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء " (۸) میسر نخواهد بود.

نخستین مسافرت های علمی در جهان اسلام با اولین نسل مسلمان آغاز می‌گردد. این گروه مومنین جهت آموختن قرآن و اصول دین به سرزمین های مفتوحه اعزام می‌شدند. در حیات پیغمبر اکرم نیز آگهی‌ها مشکلی در فهم مسائل دینی مخصوصاً قرآن پیش می‌آمد، آن بزرگوار ناسخ و منسوخ آیات و تفضیل را بیان می‌فرمودند، اصحاب در حفظ این مطالب کوشش می‌کردند و به شیوه روایت به نسل های بعدی انتقال می‌دادند.

حضرت محمد (ص) در کنار پیام الهی و در جهت حل و فصل امور، تصمیماتی اتخاذ می‌فرمودند و یا اندرزی می‌دادند و فرامینی صادر می‌کردند. این گونه گفتار و تقریرات پیغمبر اکرم " سنت " (حدیث) خوانده می‌شود که دومین منبع قانون اسلامی می‌باشند.

انگیزه اصلی مسلمین به فراگیری و جمع آوری و نقل اخبار و احادیث اولاً " نیاز مسلمین به احادیث در امور دینی بود. ثانیاً " شخص رسول اکرم (ص) بنا بر روایات مسلم و قطعی شیعه و سنی مردم را تشویق می‌کردند که آنچه را از اوست شنیدند ضبط نمایند و برای آیندگان نقل کنند. (۹) پس از انتشار اسلام و توسعه قلمرو آن و آمیزش اقوام دیگر، صحابه که شرف درک حضرات را دریافته بودند

وسخنان و سفارش های نبوی را به یاد داشتند، ارج و موقعیت فراوان یافتند. علاقمندان به احادیث و نیاز و علاقه به استماع و یادگیری احادیث نبوی از منابع اصیل، عامل مهمی بوده که برای استماع از صحابه و یسای تابعین از شهری به شهری و از منطقه ای به منطقه ای دیگر می رفتند. سعید بن مسیب (۱۳- ۹۴ هجری) می گوید: " اگر دست می داد هر آئینه شبا و روزها در طلب یک حدیث راه می پیمودم". (۱۵) وجود حدیث نبوی: " من خرج من بیته فی طلب العلم فهوفی سبیل الله حتی یرجع و فی خیر آخر". (۱۱) انگیزه و مشوق چنین تلاش عاشقانه بوده است. ابن عبدالبر در سند خود از جابر بن عبدالله انصاری (متوفی ۷۸ هجری) نقل کرده: " از وجود حدیثی نزد یکی از اصحاب رسول خدا (ص) خبیر یافتم، شتری خریدم و شدالرحال کردم و یک ماه راه پیمودم تا به شام رسیدم و ناگهان در آنجا عبدالله بن انیس انصاری ... " رایافتیم. وی در این سرگذشت دست یابی به حدیث مورد نظر را بیان می کند. (۱۲)

معنای " شدالرحال" را مرحوم دهخدا: " بستن بار برای رفتن به جایی" و " بار بستن" و ناظم الاطباء: " از جایی به جای دیگر کوچ کردن، سفر کردن" آورده اند. غزالی در شرح این اصطلاح، ضمن طرح حدیثی از نبی اکرم، بستن بار برای زیارت اماکن متبرک که و درک محضر علما را فضیلت و ثواب معرفی می کند، و دراهمیست و فایده رسیدن به خدمت علما می گوید: " غیر از فوائد علمی که از انفاس و افعال دانشمندان حاصل می گردد، نگاه کردن به صورت علما و صلحای عبادت است و زیارت علمای زنده طلب برکت از مشاهده سیمای آنهاست. " (۱۳)

آگاهی از علم حدیث در فهم معانی قرآن ضرورت دارد. راویان احادیث نبوی، صحابه حضرت بودند که مسلمانان برای فهم و درک بهتر احادیث به آن گروه رجوع می نمودند. توسعه قلمرو مسلمانان موجب گردید که این صحابه در انجام عملیات جنگی و جهاد در نقاط مختلف

امپراطوری وسیع متفرق شوند و رحل اقامت بیفکنند. مشتاقانی که به دنبال جمع آوری حدیث بودند به شهرهای مختلف مسافرت می نمودند و در هر مکانی و سرزمینی علم و حدیثی نو می آموختند و این همان است که مسلمان آن را " رحله " در طلب علم می نامند. (۱۴)

رحله جانب کوچ و مقصد مسافروسیاح رامی رساند. عالم رحله دانشمندی که از آفاق به سوی وی آیند. جانب کوچ و مقصد، مسافروسیاح را نیز گفته می شود" (۱۵) در دائره المعارف مصاحب، رحله: " عنوان کلی بعضی از کتابهای جغرافیائی مسلمین که بیشتر جنبه سفرنامه داشته است " قید شده است. استاد عبدالرحیم غنیمه مراکشی آن را معادل سفرهای علمی نوشته است. (۱۶)

احمد بن حنبل در ۱۶۴ هجری در بغداد به دنیا آمد و در همین شهر به سال ۲۴۱ هجری وفات یافت. در پژوهش دانش به شام و یمن و کوفه و بصره و مکه و مدینه و الجزیره مسافرت کرد تا احادیث را به صورت مستند گردآوری نماید. مسند حنبل چهل هزار حدیث دارد". (۱۷) قلم و هدف این دانشمند از مسافرت ها، آموختن علم و حدیث بود و آن را رحله در طلب دانش می نامند. (۱۸)

عنوان عمومی شش مجموعه بزرگ کتب حدیث که نزد اهل سنت اعتبار دارد " صحاح سته " نامیده می شوند. چهار کتاب معتبر حدیث مذهب شیعه عبارتند از: کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و چهارمی الاستبصار که شامل ۵۵۱۱ حدیث می باشد. در زمره علمای بزرگ حدیث باید از دارمی (ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن ۲۸۱ - ۲۵۵ هجری) نیز یاد کرد. او از مردم سمرقند بود و به عراق و شام و مصر رحله حدیث داشت. مسلم و ابو عیسی ترمذی از او روایت نموده اند. اثر معروف او " سنن دارمی " یا " مسند دارمی " می باشد. (۱۹)

ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶ هجری) شانزده سال از عمر خود را در تصنیف جامع الصحیح گذرانده است. او طی مسافرت های

گسترده از سرزمینهای مختلف خراسان (مرو، نیشابور) ، جبل الطارق، حجاز، سوریه و مصر، ری، بغداد، بصره، کوفه، مکه، مدینه، دمشق، قیساویه، عقلان، حمص و دیدار نمود. از بسیاری از مشایخ حدیث استماع کرد و نزدیک ششدهزار از آنها را جمع آوری نمود. هرآن حدیثی را که او یانش شقه و معتمد بودند در کتاب خود ثبت کرد. (۲۰)

مسلم (۲۰۴- ۲۶۱ هجری) مسکنی به ابوالحسن و ملقب به —ه امام الحافظ در نیشابور به دنیا آمد. کتاب خود " صحیح مسلم " را که بیش از دوازده هزار حدیث دارد در طول ۲۵ سال تنظیم کرده است. رحله حدیثی او شامل خراسان، حجاز، مصر، شام، عراق می شود. او از اساتید معروف زمان در هر منطقه ای استماع حدیث کرد.

ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی (متوفی ۳۲۹ هجری) فقیه و محدث بزرگ و یکی از معتبرترین رجال در تاریخ تشیع است. از سنین کودکی حدیث آموخت. از جمله دانشمندان است که " رحله " حدیثی داشته است. کتاب کافی مورد ستایش فراوان دانشمندان شیعه و سنی واقع شده است. (۲۱)

ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (۳۰۵- ۳۸۱ هجری) معروف به شیخ صدوق، در " رحله " حدیثی خود به مکه، مدینه، بغداد، بلخ، فرغانه، سمرقند، بخارا، نیشابور، ری و به حضور اساتید فن رسیده و استماع حدیث کرد. هنوز جوان بود که در محضرش مشایخ بزرگ بغداد استماع حدیث می کردند و اطلاعات و تسلط او در مسائل علمی موجب تحسین و اعجاب علمای گردید. مهمترین اثر او کتاب " من لایحضره الفقیه " است که یکی از کتب ارجمند مستند حدیث شیعه و جزو کتب اربعه بحساب می آید. (۲۲)

تفسیر قرآن و درک معانی آن، ضبط لغات و فهم اسلوب رایج باب می کرد. قرآن به زبان قریش نازل شده بود و قریش در دوران جاهلیت الفاظ و لغات و اسلوب جمله بندی را از عرب های صحرانشین فرامی گرفتند.

علم وادب مسافرت وکوشش بسیار نمود. اوانا قی پراز کتاب داشت و آنها را تاسقف روی هم چیده بود. او همواره چنین سخنی راتکرار می کرد، آنچه از عرب به ما رسیده جزئی از بسیار است. ابوزید و ابوعبیده و اصمعی لغت و نحو و شعرو قرائت را از ابوعمر بن علاء تمیمی آموخته بودند.

ابوعبیده، خلف بن احمد فرغانی، نضر بن شمیل صاحب کتاب الصفات " اصمعی، ابوالفرج اصفهانی مولف الاغانی و جاحظ از جمله دانشمندان هستند که اشعار عرب و اخبار مربوط به آن را جمع آوری نموده اند. میزان محفوظات اصمعی را از این گونه اشعار و اخبار شانزده هزار از جوزه نوشته اند. اصمعی با مردم قبایل معاشرت می کرد و بدین طریق با مسافرت ها و زندگی در میان قبایل از لغات و لهجه های بدویان اطلاع فراوان حاصل نمود. (۲۶)

قرن های اول اسلامی، میدان برخورد و تلاقی تمدن و فرهنگ ها و نژادهای مختلف و تداخل زبان ها و اندیشه های گوناگون این امپراطوری وسیع بود. پدیده های مختلفی از قبیل اسلام پذیرفتن اسـرا، ازدواج های اقوام بیگانه با اعراب، انجام مراسم حج و زیارت اماکن مقدس، مراجعات مکرر به مراکز و شهرهای عمده این امپراطوری جهت انجام امور شخصی و دولتی، دادوستد و تجارت در شهرهای پر رونق اقتصادی، کوچ و درگسترش این اختلاط و ارتباط فرهنگی نقش عمده ای ایفا کردند. این گروه عظیم مکالمات روزمره خود را بسـودن رعایت قواعد پیچیده عربی و با تلفظ ناصحیح لغات انجام می دادند. جاحظ بانگرانی از این ناموزونی آن را زبان " المولدین " می نامد. (۲۷) این خلدون نیز از این گزند که از پیوند اعراب با غیر عربان بر اثر کشورگشایی به وجود آمده بود بحث می کند. (۲۸) پس برای مقابله با این نقیصه و جهت سازمان دادن زبان عربی و تثبیت آن تلاش وسیعی آغاز گردید و برای یافتن نمونه ها و شواهد اصیل و کهن، بدویان منبع موثق و سرچشمه این آثار بودند. زیرا افراد قبایل در کاربرد زبان از خطا اجتناب می کردند.

چنانکه جهت حل اختلاف میان کسائی و سیبویه در داستان زنبور و عقرب از یک عرب صحرائشین قضاوت خواسته شد. (۲۹)

شادالرحال علمای لغات برای گردآوری لغات کمیاب و نادر و مفردات آن به سوی قبایل قیس، تمیم، اسد، هندیل و ... کسه فصاحت و سلامت زبان و محاوراتشان مایه شهرت و اعتبارشان شده بود، آغاز گردید.

خلیل بن احمد (متوفی ۱۷۰ یا ۱۷۵ هجری) عالم نحو و فقه اللغوی عرب و واضع علم عروض عربی از مردم عمان بود. در بصره علم نحو، قرائت، حدیث و روایت را فرا گرفت. آنگاه صحرا را مکانی اصیل برای آموزش خود انتخاب کرد و به میان قبایل رفت و از آنان لغات فصیح و نادر عرب را آموخت. نگارش قاموس گونه‌ای بنام "کتاب العین" نام‌آوری فراوانی برایش فراهم آورد. این دانشمند حروف الفبا را در این کتاب بر حسب قوانین آواشناسی و زبان‌شناسی تنظیم کرده بوده است. همسویه برکت آگاهی از علم موسیقی از طریق ضربات پتک که با آهنگی خاص بر سندان می‌خورد قوانین عروض را دریافت و مدون ساخت. (۳۰) سیبویه و کسائی از شاگردان او بودند. وقتی از او سؤال شد که این همه دانشش را از کجا کسب نموده است، پاسخ داد: "رحله، و از بیابانهای نجد و حجاز و تهامه". (۳۱)

یونس بن حبیب بصری (متوفی ۱۸۹ هجری) به علت علاقه شدید به گویش‌های محلی، ۸۸ سالهای عمر خود را بدون اینکسه ازدواج نماید در مطالعه فولکلور قبایل صرف نمود. اولحظه‌ای از آموختن دانش و ثبت آن غفلت نداشت. یک بار خواندن شعری از اشعمر "ابوالمهلّم" را شنید و چون وسیله‌ای برای نوشتن در دسترس نداشت، شعر را بر بازوی خود نوشت. (۳۲)

علی بن حمزه کسائی (متوفی ۱۹۸ هجری) ایرانی الاصل و در کوفه تولد یافت. جهت آموختن به میان قبایل عرب رفت. در بغداد زندگی

می کرد و معلم امین فرزند هارون الرشید بود. کسائی کتبی درباره قرآن و نحو و لغت تألیف نمود. ابن الانباری می نویسد: " کسائی در نوشتن دانش هایی که در بیابان از اعراب بدوی آموخته بود پنجاه شیشه جوهر به کار برده بود. " (۲۳)

ابوزید انصاری (متوفی ۱۸۹ هجری) نحوی و لغوی عرب است. از آثار او می توان به " کتاب النوادر " و " کتاب المطر " اشاره کرد. برای جمع آوری لغات سفرهای زیادی به بادیه نمود و برای تحقیق در ریشه لغات سختی ها و مشقات فراوانی کشید. (۲۴)

فرهنگ حاکم در سوریه و ایران و مصر که با فرهنگ قدیم در ارتباط بود، فرهنگی غنی بشمار می آمد. مسلمانان در آشنائی با فرهنگ و تفکر این کانون ها، خود را ناتوان یافتند. و در مبارزات و چالش با علمای مذهبی و فلاسفه ادیان دیگر مخصوصاً " یهودیان و مسیحیان در شهرهای دمشق و بغداد و مراکز زیارتی و در مناظرات لفظی که جریان می یافت نمی توانستند حقانیت خود را ثابت کنند. توجه فراوان به علوم پیش از اسلام که بنا بر سنت آنها را علوم اوایل (علوم عقلی) می نامیدند از این نیاز سرچشمه می گیرد.

نهضت واقعی ترجمه و نقل علوم عقلی به جهان اسلام از اواسط قرن دوم هجری آغاز گردید. اگر در دوره امویان کارهایی در این زمینه صورت پذیرفته بود، بسیار ناقص و دور از اهمیت است ولی از نظر فضل تقدیم باید ارجح آن را منظور داشت.

علمای مصر و سوریه و ایران در جریان فتوحات از آفات جنگ مصون ماندند و از آنان حمایت شد. این گروه دانشمندان متون و آثار علمی را از یونانی، پهلوی، سریانی، هندی (سانسکریت)، نبطی، عبرانی، لاتینی و قبطی به عربی ترجمه نمودند. این نهضت علمی در دوران مأمون بانشاء بیت الحکمه به اوج خود رسید.

بیت الحکمه به سال ۲۰۰ هجری به فرمان مأمون عباسی در بغداد

دایرگردید و رصدخانه‌های نیزبه آن منظم گردید. هزبنه کلیه فعالیت‌های علمی این آکادمی ازخزانه دولتی تأمین می‌شده‌است. حمایت وتشویق‌های هارون الرشید ومأمون عباسی و کارگزاران عالی رتبه دولتی از دانشمندان وفعالیت های آنان چنان موثرافتاد که اکثر آثارقدمابسه زبان عربی ترجمه گردید. (۳۵) جاحظ درارزش این فعالیت می نویسد: " اگرحکمت خارق العاده گذشتگان به صورت مدون بدست مانمی رسید و بهرعلتی تجربیات علمی آنان در دسترس ماقرار نمی گرفت با سهمیه ناچیزی که مادرزمینه حکمت داریم، امکان وصول به مبانی و عقاید فلسفی برایمان بسیار اندک بود". (۳۶)

حنین بن اسحق (۱۹۴ - ۲۶۰ هجری) طیب و مترجم آثار یونانی به سریانای و عربی و یکی از بزرگترین دانشمندان و مشاهیر زمان خود می باشد. درحیره بدنیا آمد و پس از رشد بمبصره رفت و ازخلیل بن احمد عربی را آموخت. درجندی شاپور آموختن طب را آغاز کرد و برای تکمیل آن به نزد یوحنا بن ماسویه رفت. اما یوحنا اورا جهت تعلیم به حضور نپذیرفت. حنین تصمیم گرفت که طب را به زبان اصلی یعنی یونانی بیاموزد. برای این منظور دو سال به اسکندریه رفت و زبان و ادبیات یونانی را نیکو بیاموخت. چون سریانای و عربی رانیکومی دانست لذا نزدیک به یک صد جلد کتاب از آثار جالینوس را به سریانای و بقیه آن را به عربی ترجمه نمود. او تقرب زیادی در نزد مأمون عباسی داشت و ایمن خلیفه هموزن هر کتابی که به عربی ترجمه می نمود به او درهم پرداخت می نمود.

از حنین نقل شده است: " تادورترین نقطه امپراطوری بیزانس و مناطق مختلف آن سفر (رحله) کردم. هدف از این مسافرت وتلاش کسب دانش و ترجمه کتب طبی بوده است. (۳۷)

قسطابن لوتابعلبکی (متوفی ۳۰۰ هجری) دانشمند مسیحی یونانی الاصل و از مترجمین معروف آثاریونانی و سریانای به عربی می باشد.

این طبیب و دانشمند برای یافتن و خریدن کتاب های علمی و آموختن علوم مختلف به اکثر شهرهای یونان مسافرت نمود.

دربین مسلمین که مجموعه ای از اقوام ایرانی ، ترک ، هندی ، عرب ، سریانی ، عبری و قبطی بودند متفکرانی می زیسته اند که به قوت خلاقیت و تفکر و ابتکار خود وجه دیگر تلاش ها و ابداع گری های علمی این مردان دانش چنین بوده است که با دخل و تصرف درمواریث علمی که از طریق ترجمه حاصل می شد یا افزودن مضامین نو بدانها ، قواعد تازه ای در فلسفه و ریاضیات و طب و طبیعیات وضع کردند که مولود هوش و درایت آنان می باشد. اگر آثار فلسفی ابن سینا ، ریاضیات حکیم عمر خیام نیشابوری ، ابوالعباس نیریزی ، بنی موسی خوارزمی و خواجه نصیرالدین طوسی با آثار فلاسفه و دانشمندان گذشته مقایسه شود چگونگی این ابتکار و خلاقیت روشن خواهد شد.

اعراب پیش از هر علمی دیگر به شنیدن اخبار گذشتگان علاقه داشتند. با دقت به سرگذشت خطیبان ، شاعران و دلیرانی که راویان روایت می کردند گوش می دادند و با این استماع همت و همبستگی قبیله ای و قومی در وجود آنها نیرو می گرفت.

مفهوم تاریخ نزد عرب دوره جاهلی منحصر بود به اخبار و انساب . پس از ظهور اسلام و وقوع جنگها و توسعه قلمرو آن و آشنائی با اقوام و فرهنگ های گوناگون و تاریخ آنان به تدوین و تنظیم تاریخ خود همت گماشتند.

علم تاریخ در جهان اسلام از حدیث مایه گرفته است. مورخین اولیه از مواد تاریخی که وسیله زبان شناسان در امر جمع آوری شعر و لغت حاصل می شد ، سود جستند. مغازی پیغمبر اکرم (ص) و تابعین رانیز به شیوه سنتی بر آنها افزودند. سیره معروف محمد بن اسحاق بن یسار (متوفی ۱۵۱ هجری) شامل تاریخ نبی اکرم و تاریخ نبوت می باشد. این اثر دارای سه فصل است : المبتدا ، تاریخ قبل از اسلام و بحث درباره آغاز

آفرینش . فصل دوم کتاب ، "المبعث " است که زندگانی حضرت محمد (ص) را تا سال اول هجرت شامل می گردد . بالاخره مغازی که تا زمان وفات رسول خدا استمرار پیدا کرده است . این اثر منبع اصلی و عمده تاریخ نویسان بعدی را تشکیل می دهد .

خلفا جهت آگاهی از رفتار و شیوه کار و حکومت سلاطین گذشته ایران و مصر و یونان و و آنچه راجع به جنگ ها و سیاستمداری ، حیل و تزویر آنان در مملکت داری بود ، قبل از پرداختن به استراحت گوش می دادند . (۳۸)

سنت تاریخ نگاری ایرانی با ترجمه " خدای نامه " از پهلوی به زبان عربی با عنوان " سیرملوک عجم " به وسیله ابن مقفع (متوفی ۱۴۳ هجری) وارد جهان اسلام گردید . مورخین اولیه اسلامی از ایرانیان بودند . آنان در آثار خود روش و شیوه تاریخ نگاری ایرانی را در تدوین آثار خود به کار برده اند .

معتبرترین و بزرگترین مورخین اسلامی طبری و مسعودی هستند . ابوجعفر محمد بن جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۱ هجری) مورخ و مفسری که اشتهاش به علت تحقیقات دقیق در زمینه تاریخ است ، از کودکی به تحصیل مبادرت ورزید و سپس مسافرت های علمی خود را آغاز کرد . این دانشمند به آثار و منابع ادبی و تاریخی نویسندگان و مورخین اکتفا نمی کرد ، بلکه مانند هرودت و استرابون برای جمع آوری روایات و نظرات و گفتار استادان و صاحب نظران به مراکز علمی و فرهنگی آن روزگار رحله می نمود . مطالعات و تحقیقات تاریخی خود را در کتاب " اخبار الرسل والملوک " تنظیم نمود . این اثر در ۱۵ جلد در سالهای ۱۸۷۹ - ۱۹۰۱ در لندن به چاپ رسیده است .

طبری همه عمر خود را صرف تحصیل ، تحقیق و تألیف نموده است و به همین مناسبت از قبول هرگونه منصب پرسود که به او پیشنهاد می گردید امتناع می کرد . در نهایت تنگدستی مسافرت های نمود و حتی

برای سدجوع یک بار آستین های پیراهن خود را فروخته است.

طبری در علوم لغت ، صرف و نحو عربی ، اخلاق و ریاضیات عالم بود. تفسیر " جامع البیان فی تفسیر القرآن " او مشتمل بر ۳۵ مجلد می باشد. این دانشمند مدت ۳۵ سال در طی تلاش های علمی خود به ایران ، عراق ، شام ، مصر مسافرت ها کرده است. از کوشش های او در جهت کسب دانش روایات شگفت آوری روایت شده است. او در مدت ۴۵ سال فعالیت علمی ، در هر روز چهل صفحه مطلب می نوشته است. (۳۹)

از مورخین مشهور جهان که جرج سارتون نیز از او نام می برد، ابوالحسن علی مسعودی (متوفی ۲۴۶ هجری) از اعقاب یکی از صحابه پیغمبر اکرم می باشد. او در بغداد به دنیا آمد و در طلب علم شَدالرحال کرد و از بیشتر نواحی آسیا دیدن نمود. به اصطخر و ایران و هند مسافرت کرد. آنگاه به مولتان و منصوره رفت. از راه شبه جزیره دکن به سیلان رسید. از سیلان با کشتی به دریای چین و دریای سرخ تازنگبار و ماداگاسکار پیش رفت و سپس از راه عمان به عربستان بازگشت.

دیگر مناطقی که این مورخ و جغرافیدان از آنها دیدن کرده شامل دریای خزر، سوریه، فلسطین، تیبیریا، انطاکیه، کلیکیه، دمشق، مصر، فسطاط می شود.

اثر بزرگ تاریخی مسعودی " اخبار الزمان " درسی جلد بوده و " مروج الذهب " به صورت قطعه ای از آن اثر باقی مانده است. این کتاب به عنوان یک فرهنگ نامه، تاریخی و جغرافیایی بازنمایی است از کنجگای سیری ناپذیر و اطلاعات ادبی این دانشمند.

مروج الذهب امروزه در دو جلد به ترتیب موضوعات تنظیم شده است. مسعودی تمام منابع تاریخی را در مدنظر داشته و از مطالعات اسلامی فراتر رفته و تاریخ ایران، هندوان، رومیان و سنن یهودیان و مسیحیان و مشرکین را با دیدی بی تعصب و فکری آزاد و خلوص و علاقه ضمن ایجاد ارتباط و تماس با این اقوام درج و قید نموده است. (۴۰)

ابن خلدون (۷۳۲ - ۸۰۸ هجری) یکی از بزرگترین مورخین جهان است. اورافیلسوف المورخین ومونتسکیوی عرب لقب داده‌اند. ابن خلدون در شهرهای فاس ، غزنایطه ، بجایه ، بیسکر ، تونس ومصر زندگی سیاسی وعلمی داشته‌است. سفری به قسطنطنیه وقشتاله نموده وباتیمورد رسوریه ملاقات داشته‌است. دردانشگاه‌های الازهر وتونس تدریس نموده ودر مصر قاضی القضاة بوده‌است.

درقلعه بنی سلاهم اثر بزرگ خود " کتاب العبرودیوان المبتدوالخبر فی ایام العرب والعجم والبربر " درزمینه تاریخ عمومی که مقدمه آن معروف به " مقدمه ابن خلدون " شهرت یافته‌است، درعرض چهارسال تنظیم نموده‌است. ابن خلدون دراین اثر از تاریخ به مثابه یک علم بحث کرده وازاین رواز قدیمی ترین کتابهای فلسفه تاریخ وجامعه شناسی بشمار می رود. این کتاب حاصل تجارب سیاستمداری و دولتمردی ونیز مسافرت های اومی باشد. ابن خلدون رابسیاری از صاحب نظران پایه گذار فلسفه تاریخ وصاحب نظریه جبر اجتماع می دانند. (۴۱)

از علومی که میان مسلمانان ترقیات شگرف نموده علم جغرافیا می باشد. حمل کالا وتجارت ، تسخیر سرزمینها ، انجام مراسم حج ، اخذ مالیات ، واگذاری خالصه وتیسول ، امور دیوانی ، تنظیم واجرای مواد پیمان نامه ها و قراردادهای آگاهی از راهها وشهرها واراضی ودریاها وبنادر وممالک راضوری می ساخت. از سوی دیگر مسافرت از اقیانوس کبیر وسفر طولانی و برخورد وشناخت مردم دنیسای آن روز ، اطلاعات قبلی را طلب می کرد.

آثار جغرافیائی نویسندگان یونانی ، رومی ومنابع متعدد فینیقی وبابلی وهندی وبویژه ایرانی و آشنائی مسلمانان با این منابع در ازدیاد معلومات آنان موثر بود وبعلوه نیاز به تماس با ملل مختلف ومسافرت انگیزه لازم وقوی رادر پرداختن به این علم به وجود آورد.

مسلمانان تحقیقات جغرافیائی خود را علاوه بر قلمرو اسلام در جنوب

اروپا و قسمت‌های از قاره آسیا، چین و هند و اقیانوس هند و دریاهای مجاور و بنادر مشهور آن نیز توسعه دادند. و از طریق تجارت دریائی اسلام را به مالزی و اندونزی و ... معرفی نمودند. آنان همانند سترا بون جهانگرد رومی و بلسینوس جغرافیدان مشهور یونانی به کسب تجربیات شخصی و تهیه جغرافیای توصیفی دست زدند.

جغرافیای بطليموس وسیله یعقوب بن اسحق کندی (متوفی ۲۸۵ هجری) و ثابت بن قره (متوفی ۲۸۹ هجری) از یونانی به عربی ترجمه گردید. این کتاب زیربنای علم جغرافیای در بین مسلمانان شد و آنان از این کتاب استفاده فراوان کردند.

هشام بن محمد کلبی اولین چهره مسلمان در علم جغرافیا است که با تحقیقات خود در جزیره العرب در بین مسلمانان شهرت فراوانی کسب کرد.

محمد بن موسی الخوارزمی (متوفی ۲۴۲ هجری) ریاضیدان ، منجم ، جغرافیدان و مورخ ایرانی یکی از بزرگترین دانشمندان مسلمانان و بزرگترین عالم زمان خود بود.

خوارزمی با کتاب " صورہ الارض " علم جغرافیای در جهان اسلام رونق داد. این دانشمند نقشه زمین را با همکاری ۶۹ تن دیگر به فرمان مأون عباسی ترسیم نمود و ضمیمه کتاب خود ساخت. کتاب خوارزمی از لحاظ متن و نقشه‌ها بر کتاب بطليموس برتری و رجحان داشته و همواره مرجع مسلمانان بوده است. (۴۲)

دریانوردان ایرانی و عرب جهت تجارت یا کنجکاوای فصل تازه‌ای در زمینه جغرافیای دریاهای بازشودند. آنان با کشتی‌های خود تا بنادر چین رسیدند و هم اکنون بعضی از اصطلاحات عربی و فارسی متعلق به دین و فرهنگ اسلامی که در سرزمینهای هند و مالزی و چین و اندونزی به کار می رود نتیجه این مسافرت‌ها و آمیزش‌ها بوده است. سلیمان تاجر و بزرگ بن شهریار رامهرمزی داستانهای عامه پسند

و توصیفات علمی خود را از سرزمین هائی که در آنها سیروس سیاحت کرده بودند در کتاب " اخبار المین والهند " و کتاب " عجائب الهند " ثبت و درج کردند.

سلیمان تاجر سفر خود را با کشتی در سال ۲۳۷ هجری قمری از بندر سیراف واقع در خلیج فارس به طرف کشور چین آغاز نمود مدت پنج ماه به سر روی دریاها و اقیانوس ها در حال مسافرت بوده است. بنا درون قاطی که سلیمان بازرگان در جریان مسافرت دریائی خود طی نموده است وقتی به هم پیوندد داده می شود، مهارت و شگفتی این مسافرت را با آن وسائل اولیه دریانوردی روشن می سازد. (۴۳)

رحله ابن فضلان فرستاده المقتدر خلیفه عباسی (۲۹۵ - ۳۲۰ هجری) به کشورهای ترک و خزر و روس و اسلاو در سال ۳۰۹ به رشته تحریر درآمده است.

مقدسی در ۳۴۵ هجری در اورشلیم به دنیا آمد. این جغرافیدان قسمت اعظم دیار اسلام را سیاحت کرد و کتاب " احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم " را که حاوی اطلاعات ذیقیمت می باشد به رشته تحریر درآورد.

مقدسی در شرح مسافرت های خود می نویسد : در کشورها و اقالیم اسلامی به سیروس سیاحت پرداختم ، با دانشمندان ملاقات نمودم، در خدمت سلاطین بودم، در صحاری و کوهها و دشت ها سرگردان شدم، در دریاها و طوفان و خطر غرق شدن روبرو بودم، در زندان ها بسر بردم و در هر مکان راجع به مذهب ، زبان ، نژاد ، مالیات بندی و تحقیق نمودم و زمانی که به صحت آنها اطمینان حاصل نمودم به درج آنها پرداختم. (۴۴)

ابوریحان بیرونی (۲۶۲ - ۴۴۰ هجری) بزرگترین فیلسوف ، ریاضی دان و منجم و جغرافیدان و سیاح ایرانی می باشد. روح تحقیق و تدقیق و فکر نکته سنج و ذوق سلیم و هوش فوق العاده و عشق به حقیقت این دانشمند در آن قرن اعجاب آوراست.

ابوریحان بیرونی در جغرافیای ریاضی و توصیفی و فرهنگی اطلاعات

وسیع وعمیق داشت. مسافرت های زیادی به هندداشته وبادانشمندان آن سامان معاشرت نموده واطلاعات ژرف درزبان سانسکریت وعلوم و عقاید هندیان به دست آورده است.

آثار او شامل یکصد و سیزده کتاب می باشد که در علوم مختلف از آن جمله هیئت و طب و حکمت و احادیث و تاریخ و جغرافیا و ... تصنیف شده است. کتاب "تحدیدالنهايات الاماکن" او برجسته ترین اثر اسلامی در جغرافیای ریاضی می باشد.

حکیم ناصر خسرو (۳۹۴ - ۴۸۱ هجری) ملقب به "حجست" در پی توصیه ای که در خواب به او شد به تغییر روش در زندگی خود روی آورد و شدالرحال کرد. او مدت هفت سال شمال شرقی و شمال غربی و مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنستان، آسیای صغیر و حلب و طرابلس و سوریه و فلسطین و مصر و جزیره العرب و قیروان و نوبه را سیار و سیاحت نمود و "سفرنامه" خود را درباره چگونگی این مسافرت و وضع جغرافیائی و تاریخی مناطق و آداب و رسوم مردمان سرزمین های مختلف تنظیم نمود.

بیشتر کتاب های جغرافیدانان مسلمان که جنبه سفرنامه داشته اند "رحله" نامیده می شوند. به عنوان مثال می توان از رحله ابن جبیر، رحله ابن فضلان، رحله ابن بطوطه، رحله ابن خلدون و ... مؤلف به زبان عربی هستند و رحله حجازیه میرزا علی اصغر امین الدوله مصنف به زبان فارسی نام برد.

یاقوت حموی (۵۳۹ - ۶۲۶) مؤلف فرهنگ نامه جغرافیائی "معجم البلدان" می باشد. پدر و مادر او یونانی بودند. او را به غلامی از حماه به بغداد آوردند. اربابش به او علم آموخت و در سفرها برای انجام امور دفتری منشیگری همراه خود می برد و بالاخره او را آزاد ساخت.

یاقوت مدام در مسافرت بود از شهری به شهر دیگری رفت. در ایسن رحله ها او از کتابها نسخه برداری می نمود و با فروش آنها امرار معاش

می کرد. در خوارزم بود که دچار حمله تاتارها شد و بدون هیچ توشه و پوشاکی فرار نمود. موده فرهنگ نامه جغرافیائی خود را در موصل نوشت و در شهر حلب آن را پاکنویس کرد. (۴۶)

کتاب "معجم البلدان" یا قوت که در آن اسامی امکان به ترتیب الفباء تنظیم شده است، در کنار اطلاعات جغرافیائی، مباحثی از تاریخ و نژاد و علوم طبیعی را نیز در بر می گیرد و رویدادهای مسافرت او را از سالهای ۶۱۶ لغایت ۶۲۶ شرح می دهد.

بزرگترین جهانگرد از لحاظ وسعت سرزمین هائی که سفر نموده است و از آنها یادداشت برداری کرده است، ابن بطوطه می باشد.

ابن بطوطه (۷۵۳ - ۷۷۹ هجری) جهانگرد معروف در طنجه مراکش به دنیا آمد. از زادگاه خود در سال ۷۲۵ به قصد زیارت کعبه و مدینه خارج گردید و پس از ۲۹ سال به همانجا مراجعت نمود.

ابن جهانگرد دانشمند آداب و رسوم، موقعیت جغرافیائی، ملاقات ها با مشاهیر و مراکز علمی، آثار باستانی و معماری و را به صورت جذاب و جالب در "رحله" خود تحت عنوان "تحفه النظائر وغرائب الامصار" تنظیم نمود. ابن بطوطه در این کتاب دیدنی های شهرهای معروف مصر، سوریه، حجاز، عراق، ایران، سواحل عربستان، خلیج فارس، عمان، هرمز، بحرین، آسیای صغیر، روسیه، یونان، قسطنطنیه، سرزمین تاتارها، ماوراءالنهر و خراسان، ترکستان، افغانستان، هند، چین، اسپانیا و ... را به صورت مبسوط توصیف می کند.

ابن بطوطه اولین جهانگردی است که از آفریقای سیاه گزارش داده است. او در این قاره تا تومبوکتو و نیجریه پیش رفت و چنانچه گفته شد پس از ۲۹ سال به فاس یعنی زادگاه خود مراجعه و آنچه را که دیده است در سفرنامه معروف خود "رحله ابن بطوطه" تنظیم و تألیف کرد. (۴۷)

در آموزش نوین شهرت دانشگاهها و مراکز علمی و چهره های برجسته

علم ودانش ، گروه طالبین رابه سوی خود جذب می کند. این شیوه از صدر اسلام رایج بوده است. تأکید قرآن مجید به آموختن و حضور در محضر دانشمندان و بهره گیری از افادات آنان و نیز مراجعت و بهره رسانی : " فلولا نفر من کل فرقه و طائفه لیتفقها فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون " (۴۸) رحله را لازم می ساخت. وصیت رسول اکرم (ص) : " سیأتیکم قوم من اقطار الارض یتفقون ، و اذا رایتموهم فاستوصوا بهم حیرا " . (۴۹) انگیزه و شوق و شور فراوان برای یادگیری در دل خواهندگان دانش ایجاد می نمود و آنسان شدهالرحال می کردند و می کوشیدند که به سرچشمه دانش در هر مکانی که باشد دست یابند.

طلاب مشتاق کثیری به سعادت درک محض امام صادق (ع) ناائل می آمدند. چنانکه در منابع به تلمذ چهار هزار نفر اشاره شده است. شافعی در خاندان قریش در سال ۱۵۰ هجری در غزه به دنیا آمد. حجاز و عراق و مصر و یمن مسافرت نمود. از محاضر مشاهیر زمان استفاده های علمی کرد. در بادیه به قبیله هذیل پیوست و آنجا فصاحت و آداب و رسوم تازیان را آموخت. درس او در جامع بغداد طلاب را که در ۲۰ حلقه درسی تلمذ می کردند، به سوی خود جذب نمود. دانشجویان بسیاری از اقصی نقاط جهان شدهالرحال می کردند و برای بهره مندی از دانش او در سفر به سوی بغداد بودند. (۵۱)

ابوجعفر محمد بن علی طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ هجری) ملقب بسنه شیخ الطائفه از اهالی خراسان می باشد. در سن ۲۲ سالگی به بغداد که مرکز بزرگ علوم و فرهنگ اسلامی بود مهاجرت کرد. از محضر شیخ مفید و سید مرتضی علم الهدی استفاده نمود. پس از وفات سید، پیشوای تشیع در عصر خود گردید.

در سال ۴۴۸ هجری در بغداد بین شیعه و سنی جدالی برخاست که خانه و کتابخانه و منبری که همواره وعظ می کرد و خطابه می خوانسد ،

سوختند. شیخ طوسی به مشهد امیرالمومنین علی (ع) رفت و حوزه علمیه نجف را تأسیس نمود. این مرکز تا به امروز اعتبار علمی خود را حفظ نموده است.

شیخ طوسی آثاری در ادبیات، کلام، فقه، تفسیر، حدیث و... دارد. کتاب النهایه او جزو کتابهای درسی طلاب بوده است. در محضر درس او همواره شاگردان زیادی حضور داشتند، گروهی از این طلاب به درجه اجتهاد رسیده‌اند.

"رحله" بهترین راه برای آشنائی و برخورد با اکثریت دانشمندان بوده است. ابن خلدون مسافرت را در کسب علم و دانش و استفاده از شیوه‌های گوناگون تدریس ارجمندی می‌شمارد و می‌نویسد: "گزینش سفر در طلب و کسب دانش و دیدار دانشمندان و مشایخ برای متعلم بسیار ضروری و سودمند است. محقق و مسلم است که استادان هر یک در اصطلاحات دانش‌ها شیوه خاصی دارند و هر یک از آنان در چند شاخه علمی متبحر هستند. حتی دانشمندی رانمی‌توان سراغ گرفت که به تمام مسائل یک رشته احاطه داشته و پاسخگو باشد. ناگزیر لازم است در طلب دانش سفر (رحله) گزینند و به گردش و جهانگردی بپردازند تا سود فراوان و کمال معلومات خویش را به دیدار مشایخ و برخورد با رجال به دست آورد." (۵۲)

ابوالقاسم سلیمان فلسطینی مدت ۳۳ سال جهت مطالعات علمی در بین النهرین، حجاز، یمن و مصر در مسافرت بود و در یک هزار مدرس را استماع کرده بود. (۵۳)

تاج الاسلام سمعانی در طلب دانش به شرق و شمال و غرب و جنوب مسافرت کرد و درس بیش از چهار هزار نفر را تلمذ نمود. (۵۴) اثیرالدین ابو حیان غرناطی از محضر ۴۵۰ دانشمند حدیث استماع کرده بود و گروهی از آنان اجازه روایت به او داده بودند. این عساکر ۱۳۰ نفر معلم داشته است که نزدیک به ۴۰ نفر از آنان زن بوده است. (۵۵)

ابورکریا خطیب تبریزی استاد دانشگاه نظامیه بغداد جهت تحقیق و ضبط کتاب " التهذیب " ابومنصور زهری از تبریز به سوی فیلسوف و شاعر بزرگ ، ابوالعلاء معری در معری شام حرکت نمود. به علت عدم استطاعت مالی برای پرداخت کرایه چهارپا ، کتساب را در توبره ای بر پشت خود حمل می کرد. رطوبت و عرق بدن او بر کتابها راه یافت و آن را مچاله ساخت و خطوط و نوشته هایش را از سامان انداخت و محو کرد. (۵۶) او درباره تلاش خود در راه علم می گوید:

" فمن یسام من الاسفار یوما " فانی قد سئمت من المقام "

شیخ فرید الدین عطار نیشابوری مدت ۳۹ سال به گردآوری اشعار و اقوال مشایخ و اولیاء صوفیه مشغول بود و حضور هر صاحب نامی می رسید. او با همین منظور، کوفه، ری، مصر، دمشق، مکه، هندوستان و ترکستان را زیرپای گذاشته بود. (۵۷)

رنج و سختی سفرهای طولانی و خطرات گوناگون، هیچگاه مانع حضور طالبان مشتاق در محافل علمی نبوده است. شیخ صدوق در ۳۱۷ هجری با کاروانی در مسافرت بود که ناگهان قرامطه بر آنها زدند و اموال ایشان پاک ببردند. و در حدود دوهزار و هشتصد نفر از آنان را کشتند. شیخ صدوق خود از جمله مصدومین بوده است. (۵۸) نسائی را مردم شام به علت تمایل به تشیع سخت کتک زدند. او در اثر همان صدمات مرد. (۵۹) غزالی در راه برگشت از جرجان گرفتار راهزنان گردید و هر آنچه داشت به غارت رفت.

سعدی همواره از ناامنی راهها و سختی مسافرت سخن گفته است:

" سالی از بلخ بامیانم سفر بود و راه از حرامیان پرخطر... " و در باب دوم گلستان: " از صحبت یاران دمشقم ملالتی پدید آمده بود سردر بیابان قدس نهادم و با حیوانات انس گرفتم تا وقتی که اسیر فرنگ شدم در خندق طرابلس با جهودانم به کار گل بداشتند... " و نیز در باب دوم همین اثر:

" شبی در بیابان مکه از بی خوابی پای رفتنم نماند سرب نهادم و شتریان را

گفتم دست از من بدار.

پای مسکین پیاده چندرود

کز تحمل ستوده شد بختی

تا شود جسم فربهی لاعبر

لاغری مرده باشد از سختی

گفت ای برادر حرم درپیش است و حرامی درپس اگر رفتی بردی و گـ

خفتی مردی .

خوشت زیرمغیلان براه بادیه خفت

شب رحیل ولی ترک جان بایدگفت

اما باتمام این ناملایمات، این گروه عظیم پویندگان راه علم

ومعرفت، درطول تاریخ برای دستیابی اهداف دینی، ذهنی و فکری،

موقعیت اجتماعی و بالاخره هدف مادی و به علت اشتیاق و داشتن ذهن

کنجکاو و هرگونه خطروسختی را تحمل می کردند، عالمی برخاسته از

دورترین منطقه شرق، آسیحجاب درمرزهای چین، بادانش پژوهاندلسی

درکنار هم درکوفه و یاسایرکانون های علمی به درس و بحث پرداختند. (۶۰)

مرده ریگی که از مساعی این دانشمندان به ارث رسیده است، عظمت

تلاش و ایمان و اعتقاد و پویندگی آنان را درراه علم و دانش نمایان

می سازد.

منابع و یادداشت ها :

- ۱- ابن خلدون ، مقدمه ، ترجمه پروین گنابادی ، چاپ چهارم ، تهران ، ۱۳۵۹ ، ص ۸۹۶ .
- ۲- واحدی نیشابوری وجلال الدین سیوطی ، شان نزول آیات ، ترجمه دکتر محمد جعفر اسلامی ، جلد دوم ، تهران ، ۱۳۶۲ ، ص ۴۹۵ .
- ۳- عبدالجلیل ، ج . م . ، تاریخ ادبیات عرب ، ترجمه دکتر آذرنشوس ، آ . ، تهران ، ۱۳۶۳ ، ص ۲۵ .
- ۴- مسعودی ، مروج الذهب ، جلد چهارم ، مصر ۱۳۰۴ ، ص ۳۷-۳۸ .
- ۵- صفا ، دکتر ذبیح الله ، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ، چاپ چهارم ، تهران ، ۱۳۵۶ ، ص ۱۳ .
- ۶- ابن ندیم ، الفهرست ، بیروت ۱۹۶۴ میلادی ، ص ۲۴۲-۲۵۴ .
- ۷- قرآن ۱۸/۳ .
- ۸- غزالی ، ابو حامد محمد ، المنقذ من الضلال ، مصر ۱۳۰۳ هجری ، ص ۲۲ .
- ۹- مطهری ، مرتضی ، خدمات متقابل اسلام و ایران ، چاپ نهم ، قم ۱۳۵۷ ، ص ۴۱۸ و ۴۶۸ .
- ۱۰- غزالی ، ابو حامد محمد ، احیاء علوم الدین ، جلد دوم ، مصر ۱۳۵۲ هجری ، ص ۲۱۸ .
- ۱۱- ایضا " ، جلد دوم ، ص ۲۱۹ .
- ۱۲- غنیمه ، استاد عبدالرحیم ، تاریخ دانشگاه های اسلامی ، ترجمه دکتر نوراله کسائی ، تهران ، ۱۳۶۴ ، ص ۲۶۷ .
- ۱۳- غزالی ، ابو حامد محمد ، احیاء علوم الدین ، جلد دوم ، ص ۲۱۹ .
- ۱۴- زیدان ، جرجی ، تاریخ تمدن اسلام ، ترجمه علی جوهر کلام ، چاپ پنجم ، تهران ، ۱۳۵۶ ، ص ۴۶۸ .
- ۱۵- دهخدا ، لغت نامه ، کلمه " رحله " ، مطهری ، مرتضی ، خدمات متقابل اسلام و ایران ، ص ۴۶۹ .

- ۱۶- غنیمه، استاد عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های اسلامی، ترجمه نوراله کسائی، ص ۲۶۶.
- ۱۷- دکتر صبحی محمصائی، فلسفه قانون گذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، تبریز ۱۳۴۶، ص ۵۴.
- ۱۸- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۶۹.
- ۱۹- حاج شیخ عباس قمی، مشاهیر دانشمندان اسلام، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، جلد سوم، تهران ۱۳۵۱، ص ۲۱۳.
- ۲۰- دکتر صبحی محمصائی، فلسفه قانون گذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، ص ۱۳۲.
- ۲۱- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۷۲.
- ۲۲- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، خصال صدوق، ترجمه مدرس کیلانی، انتشارات جاویدان، ص ۷.
- ۲۳- ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ترجمه محمدحسین مشایخ فریدنی، جلد اول، تهران ۱۳۶۸، ص ۶۴۳.
- ۲۴- عبدالجلیل، ج. م. م.، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرنوش، آ.، ص ۳۲.
- ۲۵- ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ترجمه محمدحسین مشایخ فریدنی، جلد اول، ص ۲۹۴.
- ۲۶- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، ص ۴۱۹.
- ۲۷- جاحظ، البیان والتبیین، قاهره ۱۳۳۲ هجری، جلد دوم، ص ۶۸.
- ۲۸- ابن خلدون، مقدمه، ترجمه پروین گنابادی، ص ۱۱۵۹.
- ۲۹- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، ص ۴۸۴.
- ۳۰- عبدالجلیل، ج. م. م.، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرنوش، ص ۴۵.

- ۳۲- امین ، احمد ، ضحی الاسلام ، قاهره ۱۹۳۱ میلادی ، جلد دوم ، ص ۳۱۸ .
- ۳۳- ابن اثباری ، طبقات الانبیا ، قاهره ۱۲۹۴ هجری ، ص ۸۳ .
- ۳۴- غنیمه ، استاد عبدالرحیم ، تاریخ دانشگاه‌های اسلامی ، ترجمه نوره کسائی ، ص ۲۶۸ .
- 35- Nicholson, Literay History of the Arabs, London 1923, P. 281.
- ۳۶- نخستین ، پروفیسور مهدی ، تاریخ سرچشمه‌های اسلامی آموزش و پرورش غرب ، ترجمه عبدالله ظهیری ، تهران ۱۳۶۷ ، ص ۲۹ .
- ۳۷- قفطی ، اخبار العلاء باخبار علما ، لایپزیک ۱۹۰۲ ، ص ۱۷۲ .
- ۳۸- جرجی زیدان ، تاریخ تمدن اسلام ، ترجمه علی جواهرکلام ، ص ۴۹۵ .
- ۳۹- نشریه پیام ، شماره ۲۳۸ ، فروردین ۱۳۶۹ .
- ۴۰- کلمان هوار ، مجموعه مقالات تاریخ نگاری در اسلام ، ترجمه و تدوین یعقوب آژند ، تهران ۱۳۶۲ ، ص ۶۲ ، مروج الذهب ، ترجمه ابوالقاسیم پاینده ، انتشارات ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۷ .
- ۴۱- ابن خلدون ، مقدمه ، ترجمه پروین گنابادی ، ص ۳۵ - ۷۰ .
- ۴۲- نصر ، سیدحسین ، علم و تمدن در اسلام ، ترجمه احمد آرام ، تهران ۱۳۵۰ ، ص ۸۹ .
- ۴۳- سلیمان تاجر ، ابی‌زیدالسیرافی ، اخبار الصين والهند ، بیروت ۱۳۱۱ ، ص ۲۱ و
- ۴۴- راوندی ، مرتضی ، تاریخ اجتماعی ایران ، جلد پنجم ، تهران ۱۳۶۴ ، ص ۵۲۲ .
- ۴۵- آرام ، احمد ، علم و تمدن در اسلام ، تهران ۱۳۶۶ ، ص ۵۲ ، صفا و دکتر ذبیح اله ، تاریخ ادبیات در ایران ، جداول ، ص ۳۳۷ - ۳۴۶ .
- ۴۶- معجم البلدان ، اثرباقوت حموی در ده جلد بین سالهای ۱۳۲۳ - ۱۳۲۵ هجری در مصر چاپ شده است .
- ۴۷- " تحفه النظار و غرائب الامصار " ابن بطوطه تحت عنوان

- ۴۸- "سفرنامه ابن بطوطه" وسیله دکتر علی موحد ترجمه ، و در دو جلد از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۴۸ انتشار یافته است .
۴۸- قرآن ۱۲۲/۹ .
- ۴۹- مجلسی ، علامه محمدباقر ، بحار الانوار ، جلد اول ، تهران ۱۳۷۶ هجری قمری ، ص ۱۷۰ .
- ۵۰- مطهری ، مرتضی ، خدمات متقابل اسلام و ایران ، ص ۴۷۲ .
51- Pederson, Some Aspects of the History of the Madrasa, Islamic Culture, Vol. III, 1929, P. 527.
- ۵۲- ابن خلدون ، مقدمه ، ترجمه پروین گنابادی ، جلد دوم ، ص ۱۱۴۵ .
- ۵۳- ابن خلکان ، وفيات الاعیان ، جلد اول ، قاهره ۱۲۵۷ هجری ، ص ۲۶۹ .
- ۵۴- ایضا " ، ص ۳۷۸ .
- ۵۵- مقرئ ، نفع الطیب ، جلد اول ، قاهره ۱۳۰۲ هجری ، ص ۵۸۹ .
- ۵۶- انزابی نژاد ، دکتر رضا ، خطیب پیاده از تبریز تا شام ، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، تبریز ، سال ۳۱ ، شماره مسلسل ۱۲۸-۱۲۹ .
- ۵۷- براوون ، ادوارد ، تاریخ ادبی ایران ، جلد دوم ، ترجمه علی پاشا صالح ، تهران ۱۳۵۸ ، ص ۸۷۱ .
- ۵۸- خصال صدوق ، ترجمه مدرس گیلانی ، ص ۵ .
- ۵۹- مطهری ، مرتضی ، خدمات متقابل اسلام و ایران ، ص ۴۷۶ .
- ۶۰- غنیمه ، استاد عبدالرحیم ، تاریخ دانشگاه های اسلامی ، ترجمه نوراله کسائی ، ص ۲۶۹ .